

اطلاع‌رسانی و مسایل اجتماعی

محمد جواد ناطق‌پور

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

امروزه بسیاری از کشورهای جهان با واژه‌ی مسایل اجتماعی، آشنایی کامل دارند. در این کشورها مطالعه‌ی مسایل اجتماعی که در قالب‌های مختلف معضلات و مشکلات نیز از آنها یاد می‌شود، به عهده‌ی دانشگاه‌ها و سازمان‌های مختلف اجتماعی گذارده شده است. رشد و توسعه‌ی جوامع که به تغییر و تحولات اجتماعی منجر شده است، موجب ظهور جامعه‌ی جدیدی شده که از مشخصات آن گسترش رسانه‌های جمعی و ظهور و بروز مسایل اجتماعی است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که مسایل اجتماعی، پدیده‌ی ویژه‌ی دنیای جدید یا مدرن است. مسایل اجتماعی زمانی شکل می‌گیرند که به دلیل حرکت سریع جامعه به سمت تکامل و گسترش شگرف صنعت و فن‌آوری ساختار اجتماعی دستخوش تحول می‌شود، به نوعی که شکاف‌های عمیقی بین وضعیت موجود و ایده‌آل‌های مورد انتظار جامعه پیش می‌آید و اعضای جامعه به آن وقوف می‌یابند. رابرتسون^۱ (۱۹۸۰: ۲) در این خصوص معتقد است: "مسأله‌ی اجتماعی زمانی مطرح می‌شود که بخش قابل توجهی از جامعه از شکاف و فاصله‌ی بین ایده‌آل‌های اجتماعی و واقعیت‌های موجود جامعه آگاه و با خبر شوند."

بررسی مقایسه‌ای و تطبیقی جوامع بشری در سده‌های قبل از ظهور مدرنیته و صنعت حاکی از آن است که دنیای قدیم با مشخصاتی همچون سادگی روابط، محدودیت نظام شهرنشینی، تولید خودکفا، سادگی و ثبات ساختارهای اجتماعی و عدم تغییر و تحول نظام اجتماعی، به ندرت با پدیده‌ی جدیدی به نام مسایل اجتماعی^۲ روبرو بوده است. در عین

حال، در نظام مدرن و صنعتی، عواملی همچون پیچیدگی روابط اجتماعی، گسترش نظام شهرنشینی، تولید انبوه، تحوّل و تغییر دایم ساختارهای اجتماعی و نیز ظهور و گسترش پدیده‌های جدید فن‌شناختی^۱ همچون رسانه‌های جمعی، کارخانجات صنعتی، تحوّل شیوه‌ی تولید و حمل و نقل از یک سو، و تغییر مفهوم دولت، اقتصاد، سیاست، حکومت، و نهاد‌های اجتماعی از دیگر سو، عملاً موجب بروز و ظهور تعداد فراوانی مسایل اجتماعی شده است که هر یک به نوبه‌ی خود بخشی از جامعه را به خود مشغول کرده است. تکرار و تداوم این مسایل و گسترش آنها، به مرور زمان موجب نهادینه شدن این مسایل شده‌اند، به نحوی که امروزه "مسایل اجتماعی" به صورت "پدیده‌های اجتماعی نهادینه شده" در آمده‌اند.

امروزه مسایل اجتماعی با رویکردهای مختلفی تعریف می‌شوند. در یک مجموعه‌ی کلی تعریفی که بتواند ویژگی‌های عمده‌ی مسأله‌ی اجتماعی را در جهان معاصر مطرح کند، می‌توان به تعریف مشهور هورتون و لزللی اشاره نمود که طی آن سه ویژگی عام بودن، ضرورت رفع مسأله و نیز اهمیت فرد و یا سازمان در حل مشکل، از نکات مهم آن هستند. هورتون و لزللی^۲ (۱۹۷۰: ۱۵-۳) مسأله‌ی اجتماعی را امری می‌دانند که "اولاً بخش قابل توجهی از جامعه آنرا ناخوشایند بدانند؛ ثانیاً معتقد باشند که برای حل آن، باید کاری کرد؛ و ثالثاً براین باور باشند که فرد یا سازمان یا افرادی مسئول برطرف کردن و حل مشکل اجتماعی هستند."

مسأله‌ی اجتماعی، امروزه ویژه‌ی یک یا چند کشور خاص نیست. در حال حاضر غالب کشورهای جهان با معضلات اجتماعی از قبیل فقر، جنگ، انحرافات، بزهکاری، نابرابری‌های اجتماعی، افزایش جمعیت و ... روبرو هستند. کشورهای در حال توسعه به دلیل وضعیت خاص ناشی از تحوّل و رشد، در معرض بروز و ظهور متعدد اجتماعی قرار دارند. بعلاوه، این جوامع به دلیل عدم توانایی اقتصادی و گاهی عدم استقلال سیاسی، توانایی مقابله و رویارویی و نیز حل مسایل اجتماعی را ندارند. طبیعت و ماهیت در حال

تحول این کشورها نوعی عدم ثبات و استقرار را در آنها پدید آورده است و این خود یکی از مبانی عمده‌ی بروز مسایل مختلف اجتماعی در این قبیل جوامع است.

ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، با توجه به وضعیت و موقعیت ویژه، همواره با مسایل اجتماعی خاصی روبرو بوده است. این مسایل با توجه به ویژگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ایران اهمیت خاصی دارند و ما به طور دائم با مسایل اجتماعی متعدد و متفاوت در کشور روبرو هستیم. انواع گوناگون مسایل اجتماعی ایران به لحاظ ساختاری تا حد قابل توجهی وضعیت مشابهی دارند. در بررسی مسایل اجتماعی ایران ضروری است که سه نوع رابطه را مورد بررسی و مطالعه قرار داد:

الف - رابطه‌ی درونی پدیده مسأله‌ی اجتماعی.

ب - رابطه‌ی مسأله‌ی اجتماعی خاص با ساختار اجتماعی و سایر مسایل اجتماعی.

ج - رابطه‌ی تاریخی ظهور و گسترش مسأله‌ی اجتماعی.

فهم و درک روابط فوق‌الذکر ما را در بررسی بهتر مسأله‌ی اجتماعی یاری می‌رساند. مسایلی همچون فقر، تبعیض، جنگ، خشونت، افزایش جمعیت، بی‌عدالتی، فساد اجتماعی، بی‌قانونی، ستم، و ... همگی از مسایلی هستند که در سده‌های گذشته، بویژه از قرن ۱۹ به این سو در این جامعه رواج یافته و نهادینه شده‌اند. واقعیت‌های جامعه‌ی ایران در طول تاریخ این کشور به ویژه از قرن نوزدهم به نحوی بوده است که تفاوت قابل توجهی با ایده‌آل‌های آن داشته است. مرتن (۱۹۷۶) با تأکید بر این تفاوت‌ها اظهار می‌دارد: "مسأله‌ی اجتماعی زمانی موجودیت می‌یابد که تفاوت قابل توجهی بین ایده‌آل‌های یک جامعه و دست‌یافته‌های واقعی آن وجود داشته باشد."

بر اساس تعاریف موجود در مسأله‌ی اجتماعی، می‌توان گفت که مسایل و مشکلات اجتماعی ایران در طول تاریخ نه تنها کماکان یک امر مستدام و نهادینه شده است، بلکه با سایر ساختارهای اجتماعی نیز در ارتباط بوده است. اگر بپذیریم که مردم، نویسندگان و

ژورنالیست‌ها اعلام می‌دارند که مسأله‌ی اجتماعی چه زمانی بروز یافته است، می‌توان گفت که مردم ایران با انتقاد از شرایطی که با آن روبرو هستند، این وضعیت را مشخص می‌کنند. بلمر (۱۹۷۱: ۳۰۶-۲۹۳) و اسپکتور (۱۹۹۳: ۱۵۹-۱۴۵)، معتقدند که: "یک مسأله‌ی اجتماعی زمانی موجودیت می‌یابد که شمار قابل توجهی از مردم باور کنند که شرایط معینی به یک مسأله تبدیل شده است."

برای نمونه می‌توان به مقاله‌ی "حکومت وحشت در ایران" نوشته‌ی سید جمال‌الدین اسدآبادی در سال ۱۸۹۲ توجه کرد. وی در این مقاله به مسایل اجتماعی خاص جامعه‌ی ایران در دوران قاجار پرداخته است. صرف‌نظر از تفاوت‌های فراوان ایران در دو مقطع قاجار و کنونی می‌توان به گسترش بی‌عدالتی اجتماعی، عدم توجه به قانون در هر دو جامعه به عنوان مسایل اجتماعی تاریخی اشاره کرد.

با مقایسه‌ی جامعه‌ی ایران در دو مقطع یاد شده و نیز در دوران پیش از انقلاب و اکنون، این نکته را می‌توان دریافت که یکی از مهمترین عوامل گسترش مسأله‌ی اجتماعی، مربوط به حوزه‌ی **اطلاع‌رسانی** در کشور است. حاکمیت‌های ایران در ایام یاد شده عموماً به دلایل مختلفی از جمله سیاسی و امنیتی از آرایه‌ی اطلاعات صحیح و کامل به مردم خودداری کرده‌اند. لذا، این عمل موجب بروز مسایل اجتماعی در کشور شده است. مطالعه و بررسی اطلاع‌رسانی و اثرات آن در ظهور مسایل اجتماعی به اوایل قرن بیستم در غرب باز می‌گردد. عمده‌ی تحقیقات اوایل قرن بیستم و به ویژه دهه‌ی ۱۹۵۰ به بعد حاکی از آن است که اختلال در کارکرد رسانه‌های جمعی در امر اطلاع‌رسانی به جامعه، موجب افزایش مسایل اجتماعی و نهادینه شدن آنها شده است. این تحقیقات با تأکید بر اینکه دنیای خارج و جامعه‌ی جدید توسط رسانه‌ها تغییر می‌یابند، اختلال در امر اطلاع‌رسانی را ناشی از حاکمیت قدرت‌های سیاسی می‌دانند که منشاء عمده و اصلی تأمین هزینه‌های مالی برنامه‌های تلویزیونی به‌طور خاص و محتوای مطبوعات و مجلات به‌طور عام هستند. این

تحقیقات همچنین به تأثیر رسانه‌های جمعی به‌ویژه رادیو، تلویزیون و سینما در افزایش جرایم و خشونت در جامعه از جمله مزاحمت‌های شهری پرداخته‌اند. تحقیقات یاد شده مهمترین علت این مسایل را اطلاع‌رسانی غلط به جامعه دانسته‌اند. در مقایسه با مطالعات دانشگاهی و آکادمیک غالب این تحقیقات در تبیین و علت‌یابی مسایل اجتماعی جهت‌گیری خاصی دارند. هویت^۱ (۱۹۸۲: ۴) در کتاب رسانه‌های جمعی و مسایل اجتماعی^۲، به معرفی تعدادی از این تحقیقات که به روش "مدل‌های تأثیر"^۳ مدل "برخوررداری و رضایتمندی"^۴ و مدل "تأیید فرهنگی"^۵ انجام گرفته پرداخته است. در قدیمی‌ترین پژوهشی که در خصوص اطلاع‌رسانی و مسأله‌ی اجتماعی صورت گرفته است، لاشلی و واتسون^۶ (لاشلی و واتسون، ۱۹۲۲) ناراحتی‌های جنسی را ناشی از تأثیر اطلاع‌رسانی غیر اصولی رسانه‌ها بر مردم دانسته‌اند.

تحقیقات سیاسی به عنوان حوزه‌ای مهم در باب اطلاع‌رسانی و عامل اساسی کنترل اطلاعات منتشره در جامعه، بیشترین هزینه‌ها را در غرب به‌خود اختصاص داده است. افراد و اجزایی که این هزینه‌ها را تقبل کرده‌اند، از سرمایه‌گذاری در اطلاع‌رسانی به‌ویژه در رسانه‌های جمعی انتظار بازدهی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فراوانی داشته‌اند. پس از حوزه‌ی سیاسی، مدیریت‌های اقتصادی و فن‌شناسی نیز بیشترین هزینه‌ها را در اطلاع‌رسانی تقبل کرده‌اند. کتب منتشر شده در اواخر دهه‌ی ۱۹۲۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۳۰، حاکی از آن است که توجه جریان‌های سیاسی به‌ویژه قدرت‌های حاکم در کنترل و انحصار اطلاعات، زمینه‌ی گرایش به اخذ اطلاعات از سایر منابع را نیز فراهم کرده است. بلومر^۷ (۱۹۳۳)، بلومر

-
1. Howitt
 2. mass media and social problems
 3. the effects model
 4. the uses and gratifications model
 5. the cultural ratification model
 6. Lashley & Watson
 7. Blumer

و هاوسر^۱ (۱۹۳۳) و فورمن^۲ (۱۹۳۵)، در آثار خود نشان داده‌اند که مطالعات سیاسی رسانه‌ها در زمینه‌ی اطلاع‌رسانی و تبلیغات تا چه حد در بروز و ظهور مسایل اجتماعی نقش داشته‌اند. این نویسندگان بخصوص بلومر و هاوسر به رابطه‌ی اطلاع‌رسانی رسانه‌ای بخصوص فیلم‌ها و رشد جرایم و بزهکاری پرداخته‌اند. فورمن نیز در اثر مشهور خود "فرزندانمان ساخته‌ی فیلم‌ها" به بررسی اثرات فیلم‌های گوناگون در تغییر رفتار کودکان و نوجوانان پرداخته است. نکته‌ی مشترک این مطالعات ایجاد مسایل اجتماعی از طریق رسانه‌ها است. انحرافات، بزهکاری‌ها، جرایم و نیز کودکان بزهکار و مجرم یا گروه‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌رسان، به‌عنوان مسایل اجتماعی مورد توجه این نویسندگان قرار گرفته‌اند.

با توجه به گسترش تغییرات رفتار کودکان و نوجوانان و افزایش انحرافات اجتماعی و اخلاقی در آنان و نیز شکایت و انتقاد مادران و اولیاء مدارس از وضعیت به‌وجود آمده، در دهه‌ی ۱۹۵۰، بنیاد نافیلد^۳ در انگلستان، طی اجرای پروژه‌ای تحقیقی - اجتماعی به بررسی تأثیر تلویزیون تجارتنی به عنوان شبکه‌ی مهم اطلاع‌رسانی وقت انگلستان در امر تعلیم و تربیت و تغییر نگرش و رفتار کودکان انگلیسی پرداخت. گسترش و شیوع خشونت به عنوان یکی از مسایل اجتماعی مهم در میان جوانان امریکا که گفته می‌شد ناشی از برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی است، بال و بیکر^۴ (۱۹۷۰) را بر آن داشت تا در زمان آیزنهاور به مطالعه‌ی رواج خشونت‌های شهری بین شهروندان امریکایی بپردازند.

هویت (۱۹۸۲: ۵) نیز معتقد است که ضرورت پیش‌بینی، کنترل و مهار مسایل اجتماعی، موجب شد تا در دهه‌ی ۱۹۷۰ در امریکا هزینه‌ی فراوانی در زمینه‌ی پژوهش در باب

1. Blumer & Hauser

2. Foreman

3. Nuffield foundation

4. Ball & Baker

استفاده‌ی رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی در مطالعات، برنامه‌ریزی و سیاستگذاری اجتماعی در جهت کاهش مسایل اجتماعی صرف‌گردد.

نمونه‌های فوق عموماً بیانگر رابطه‌ی بین اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی و مسایل اجتماعی است. این اطلاعات علاوه بر آگاهی‌های سیاسی، عموماً در حوزه‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منجر به تغییر تصمیم‌گیری افراد و بروز رفتارهای جدیدی می‌شود که در بازگشت منشأ بحران‌هایی در سطح اجتماع می‌گردد. این بحران‌ها به تدریج به مسایل اجتماعی نهادینه شده بدل می‌گردند.

اطلاع‌رسانی و مسایل اجتماعی: طرح و مطالعه

با توجه به آنچه پیشتر اشاره شد، با ظهور تمدن جدید در غرب که طلایه‌دار جامعه‌ی مدرن و رشد و تحول نهادهای مدنی و اجتماعی و استقرار نهادهای مدنی نوین بود، تعارضات گسترده و فراوان به بروز مسایل اجتماعی منجر گردید. این مسایل با ظهور رسانه‌های جمعی به عنوان مهم‌ترین ابزار اطلاع‌رسانی، نه تنها گسترش یافت بلکه به تدریج نهادینه گردید.

ایران به عنوان جامعه‌ی جدیدالورود به حوزه‌ی تمدن غرب و مدرنیته، نه تنها از این امر مصون نماند بلکه با توجه به ساختار ویژه‌ی اجتماعی و بافت سیاسی بیش از جوامع توسعه یافته و صنعتی درگیر مسایل اجتماعی گردید.

اطلاع‌رسانی به عنوان نخستین عنصر ارتباط اجتماعی، در کشور ایران همواره دستخوش تحولات و تغییرات فراوان بوده است. انحصار اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی - اجتماعی در دست گروه و طبقه‌ای خاص در ایران پس از قرن نوزدهم از یکسو و انتقال اطلاعات نادرست و ناقص به جامعه از دیگر سو، نه تنها موجب تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی مردم در مواقع حساس و مقاطع مهم به ویژه در حوزه‌ی سیاسی و مشارکت

گردیده، بلکه به رشد و گسترش شایعات و تعدد مراکز غیر اصولی اطلاع‌رسانی انجامیده است. انحصاری بودن رسانه‌های عمومی در ایران به‌ویژه رادیو و تلویزیون به عنوان یک رسانه‌ی عام پسند در دوره‌ی پیش و پس از انقلاب اسلامی، موجب شده است تا اطلاعات گزینش شده‌ی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به صورت پیاپی در اختیار مخاطبان قرار گیرد. این امر به دلیل عدم توجه به ذایقه و نیاز واقعی مردم از سوی رسانه‌ها و سیاستگذاران توزیع و نشر اطلاعات، در بازگشت، به جدایی مردم و مراکز اطلاع‌رسانی منجر شده است.

پدیده‌ی جدید اطلاع‌رسانی که به عنوان پیامد ضروری و محتوم تغییرات اجتماعی و نیز نیاز و ضرورت واقعی مردم، در گرداب بهره‌جویی‌های حزبی و گروهی قرار گرفت، نه تنها در جهت تحول جامعه، راه‌گشا نشده، بلکه به تدریج زمینه‌ساز برخی از مسایل اجتماعی گردید. مردم در آغاز اغراق‌هایی را که توسط روزنامه‌ها و تبلیغات رادیو و تلویزیون مطرح می‌شود، به راحتی می‌پذیرند و توانایی خوب سخن گفتن (فن بیان) را گاهی به جای صداقت و درستی سخن‌گوینده می‌پذیرند، اما به تدریج از این تبلیغات روی می‌گردانند و به جهتی در مسیر مخالف آن‌ها پیش می‌روند.

در هر جامعه‌ای اعتقاد به اینکه معمولاً اطلاعات و تحلیل‌های نادرست به مردم می‌رسد، اعتبار سخنران‌ها و گویندگان عمومی را نزد مردم کاهش می‌دهد. البته دروغ گفتن به مردم و قلب واقعیت عملاً باید مجازات قانونی به همراه داشته باشد. اما غالباً راه‌هایی وجود دارد که به مردم دروغ‌هایی گفته می‌شود، ولی عده‌ی کمی از آنها باخبر می‌گردند. یکی از این روش‌ها نشان دادن گروه‌های اجتماعی به جای افراد است. یعنی اگر فردی دچار مشکلی شده باشد، گروه اجتماعی را زیر سؤال می‌برند. در جایی که یک سخنگو می‌تواند شخص خاصی را مخاطب قرار دهد و چه بسا بدون مدرک وی را متهم کند، بدون هیچگونه گواه و مدرکی به راحتی یک گروه اجتماعی را زیر سؤال می‌برد. راه دیگر این است که از زبان مردم سخن گفته شود در

حالی که مردم نه این سخن‌ها را باور دارند و نه اساساً می‌پذیرند. برای مثال: گفته می‌شود که مردم نمی‌خواهند چنین یا چنان شود.

مستندگویی از مهمترین روش‌هایی است که می‌تواند میزان بهره‌جویی نابجا از موقعیت و اعتبار مردم و گروه‌ها را کاهش دهد. با توجه به عدم آرایه‌ی شواهد و مدارک در باب بسیاری از اطلاعاتی که به مردم آرایه می‌شود، درستی و صداقت یک گفتار و اندیشه نزد دیگران مورد تردید واقع شود. در چنین شرایطی مردم در صدد دستیابی به اطلاعات مستند و یافتن شواهد و مدارکی در باب مطالب شنیده شده هستند. امتناع از آرایه‌ی این شواهد و مستندات، مردم را در وضعیتی قرار می‌دهد که در برابر اطلاعات آرایه شده ایستادگی و از پذیرش آنها امتناع کنند. برای مثال، اطلاعاتی که در باب برخی حوادث اجتماعی در کشور به مخاطبان آرایه گردید، موجب شد که مردم ناباوری خود را در باب اطلاعات آرایه شده از طریق طرح سئوالات و انتقاداتی بیان نمایند.

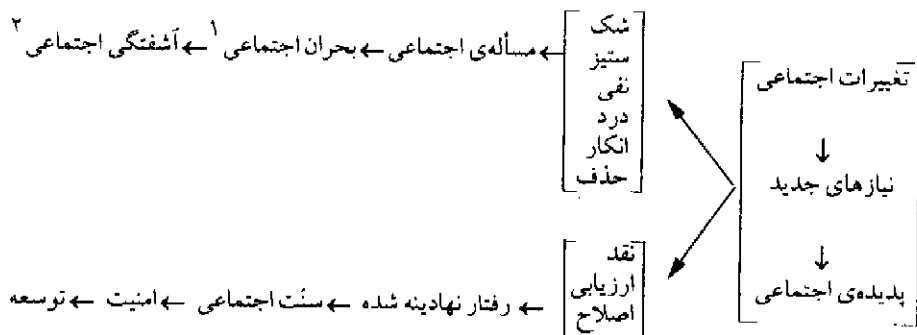
به دلیل تنوع و گستردگی دیدگاه‌ها و نقطه نظرات فکری، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نیز گرایش‌های مختلف در زمینه‌های مذکور، بدیهی است که مسایل اجتماعی نه تنها از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرند، بلکه بسیاری از این دیدگاه‌ها عملاً متناقض و متضاد باشند. برای مثال، بحث در باب فقر، مسکن و یا بهداشت و آموزش در جامعه از زوایای مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند.

وجود برخی موانع که منجر به آرایه‌ی یک سویه و ناقص اطلاعات به جامعه می‌شود، به‌ظهور و گسترش مسایل اجتماعی منجر می‌شود. موانع ایدئولوژیک، حزبی، گروهی، سیاسی، که عموماً به حوزه‌ی قدرت سیاسی مربوط می‌شوند و نیز برخی موانع همچون مسایل مربوط به امنیت، موجب آرایه‌ی ناقص، ناتمام و گاهی ناصحیح اطلاعات به جامعه می‌شود. جامعه این اطلاعات را مورد تجزیه و تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد و اغلب آنها را منشاء یک‌سری شایعات و اطلاعات ناصحیح ولی اقناع کننده می‌کند.

رشد و گسترش شبکه‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی یا اینترنت و ماهواره‌ها عملاً زمینه‌ی دستیابی مردم به اطلاعات فراوان و متنوع را امکان‌پذیر کرده است. این اطلاعات با توجه به تنوع و گستردگی فراوان و برخورداری از فن‌آوری بسیار پیشرفته‌ی اطلاع‌رسانی و نیز قابلیت دسترسی آسان توانسته است در جهان شرایط ایده‌آل و ممتازی را در امر ارتباطات به خود اختصاص دهد. اطلاع‌رسانی جدید نه تنها همپای تحولات و تغییرات سریع و گسترده در جهان به پیش می‌رود، بلکه موجب جریان‌شتابگیر تغییرات و تحولات اجتماعی در جهان شده است. این اطلاعات در حالی که منشاء برکات و آثار مفید فراوانی است، می‌تواند زمینه‌های بروز مسایل مهم اجتماعی از قبیل انحرافات و فسادهای اجتماعی را نیز فراهم آورد.

نکته‌ی حائز اهمیت در این خصوص، نحوه‌ی رویارویی و مواجهه با "اطلاع‌رسانی شبکه‌های بین‌المللی" یا اینترنت و نیز ماهواره‌ها است. روند مقابله‌ی شدید با این امر خود از مبانی تجلی یک مسأله‌ی اجتماعی جدید است، زیرا نه تنها امکان حذف و رفع این ابزار اطلاع‌رسانی و استفاده از آنها در دنیای امروز وجود ندارد، بلکه این عمل زمینه‌ی دسترسی مردم به شبکه‌های بین‌المللی اطلاع‌رسانی را بیش از پیش فراهم می‌آورد. چنین رفتارهایی عملاً به بروز نوعی مسایل اجتماعی منجر می‌شود که به تدریج زمان ظهور و تحقق آنها فرا می‌رسد. به همین ترتیب بود که ممنوعیت استفاده از ماهواره‌ها بدون ارائه جایگزین مناسب و هم‌تای قدرتمند زمینه‌های رفتار جدید نهادینه شده‌ای را فراهم آورد که طی آن عده‌ی فراوانی با نقض قوانین (بدلیل تعارض قانون با نیازهای ناشی از تغییرات اجتماعی) از آن برخوردار شدند.

پدیده‌ی جدید اطلاع‌رسانی که در جهت پاسخ به نیازهای جامعه رواج می‌یابد، در ایران با مشکلات و ابهامات زیادی روبرو شده که خود منشأ بسیاری از مسایل اجتماعی دیگر است. در نمودار زیر طرح اساسی بررسی رابطه‌ی مسایل اجتماعی و تغییرات اجتماعی مورد تأکید قرار می‌گیرد:



در نمودار فوق تغییرات اجتماعی ناشی از تغییرات ساختاری در دوم خرداد زمینه‌ساز نیازهای اجتماعی جدیدی شده که از جمله‌ی آنها اطلاعات سالم و صحیح و کامل است. نیاز به اخذ اطلاعات، پدیده‌ی جدید اجتماعی یعنی گسترش رسانه‌های جمعی را در پی داشته است. رویارویی با این پدیده‌ی جدید (که در مواردی می‌تواند به جدّ محل نقد و ارزیابی باشد) از اهمیت خاصی برخوردار است. مواجهه‌ی حذفی و غیر منطقی با این پدیده که ناشی از تفکر دو قطبی^۳ است، نهایتاً به انحصار اطلاعات و حبس و قبض آنها از سوی یک گروه در جهت حفظ و کسب قدرت می‌انجامد.

انحصار اطلاعات، که از دیدگاه تضاد^۴، در تحلیل مسایل اجتماعی اهمیت خاصی دارد به منظور محروم کردن گروه‌های مقابل و رقیب و مردم حامی آنها صورت می‌گیرد. این ستیز، یک چالش دایمی است و هر دو گروه در جامعه در صدد اخذ قدرت و انحصار و کنترل اهرم‌ها و گلوگاه‌های قدرتمند هستند (کلمن^۵، ۱۹۹۰: ۱۱). مواجهه‌ی خصمانه و غیر دوستانه با پدیده‌ی جدید در نهایت منجر به بروز مسأله‌ی اجتماعی می‌گردد که متعاقباً به بحران و سپس آشفتگی و از هم گسیختگی جامعه منتهی می‌شود.

در مقابل، مواجهه‌ی منطقی با پدیده‌ی جدید که ناشی از روحیه‌ی کثرت‌گرایی و انعطاف است، به آشنایی بیشتر با آن، یعنی گسترش و افزایش وسایل اطلاع‌رسانی جمعی، منجر می‌شود و ضمن تأکید بر ضرورت آن و اصلاح خطاها و اشتباهات، حل مسایل اجتماعی را

1. crisis

2. chaos

3. dichotomous

4. conflict

5. Coleman

به دنبال دارد. این روش که می‌تواند به عنوان رفتار نوین در تحلیل مسایل اجتماعی نهادینه شود، به سنت اجتماعی بدل می‌شود و نهایتاً در جهت امنیت و توسعه‌ی جامعه قرار می‌گیرد. با توجه به ماهیت مسایل اجتماعی و اطلاع‌رسانی، بررسی این امر به روش انتقادی^۱ بر مبنای آنچه که هاروی^۲ (۱۹۹۰) در کتاب روش تحقیق اجتماعی انتقادی^۳ از آن یاد کرده و نیز آنچه که بیکر^۴ (۱۹۹۳: ۵۵) با عنوان "استدلال انتقادی"^۵ مطرح کرده پیشنهاد می‌شود.

در دیدگاه هاروی مطالعه‌ی مسایل اجتماعی با تأکید بر مسأله‌ی اطلاع‌رسانی می‌بایستی بر اساس توجه به جنبه‌هایی همچون انتزاعی بودن^۶، کلیت^۷، ماهیت و جوهره^۸، کنش^۹، ایدئولوژی^{۱۰}، ساختار^{۱۱}، تاریخ^{۱۲} و ساختار شکنی و بازسازی^{۱۳} ساختار اطلاعات و مسایل اجتماعی انجام گیرد. بیکر نیز معتقد است که در تحلیل استدلال انتقادی مسأله‌ی اجتماعی و اطلاع‌رسانی بایستی مسایلی همچون دیدگاه‌های ارزشی، سازگاری منطقی، رسایی و دقت، در سه محور تبیین تجربی^{۱۴}، تبیین مفهومی یا علی^{۱۵} و تبیین ارزیابانه و یا قضاوتی^{۱۶} مورد توجه قرار گیرد.

در تمام محورهای فوق نکته‌ی حائز اهمیت آن است که بررسی‌های یاد شده عملاً باید مبتنی بر تحلیل روابط (درون پدیده - با ساختارهای اطراف و نیز تاریخی) صورت پذیرد و به این ترتیب نحوه‌ی تبدیل اطلاع‌رسانی ناکارآ و عدم تعادل کارکردی به مسأله‌ی اجتماعی، مورد ارزیابی و دقت نظر علمی قرار می‌گیرد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اطلاع‌رسانی به عنوان یکی از دست‌آوردهای شگفت‌انگیز دنیای جدید، تمام عرصه‌های فردی و اجتماعی را در جهان تحت تأثیر قرار داده است. تغییرات چشم‌گیر، سریع و

- | | | |
|-------------------------------------|-----------------------|-----------------------------|
| 1. critical | 2. Lee Harvey | 3. critical social research |
| 4. Baker | 5. critical reasoning | 6. abstraction |
| 7. totality | 8. essence | 9. praxis |
| 10. ideology | 11. structure | 12. history |
| 13. deconstruction & reconstruction | | 14. empirical statement |
| 15. conceptual statement | | 16. evaluative statement |

گسترده‌ی اجتماعی در جهان نیاز به دستیابی به اطلاعات نو و جدید را صدچندان نموده است. در واقع اطلاع‌رسانی به‌عنوان پدیده‌ی اجتماعی عصر حاضر تلقی می‌شود. جامعه‌ی جدید با توجه به ساختارهای اساسی آن که عمده‌ی مبتنی بر نهادهای مدنی است، جهت تداوم و حیات خود نیازمند مبادله‌ی اطلاعات و نشر و توزیع آنها است. نهادهای مدنی هیچگاه بدون نقل و انتقال اطلاعات نمی‌توانند به حیات خود ادامه دهند. امروزه اطلاعات عملاً به‌عنوان "موجودات زنده‌ای" تلقی می‌شوند که اثرات وضعی و ماهوی ویژه‌ای دارند.

حرکت شتاب‌گیر توسعه در کشورهای در حال توسعه موجب شده است که این جوامع با ضرورت و نیاز دستیابی به اطلاعات جدید، مردم را همسو با تحولات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قرار دهند. کثرت نهادها و روابط اجتماعی نیز زمینه‌های تشدید این ضرورت را فراهم کرده است و به مقابله با دو قطبی‌گرایی^۱ در جامعه برخاسته است. ضرورت تصمیم‌گیری مردم و نهادها در تنظیم روابط متقابل از یکسو و گسترش روابط بین‌المللی و ضرورت همسویی در ارتباطات انسانی در جهان، از امور دیگری است که نیاز به همراهی و همزیستی با "پدیده‌ی اجتماعی" جدید اطلاع‌رسانی را صدچندان نموده است. اصل خوشبینی و وفاق از یک سو و ضرورت نسبی‌گری از سوی دیگر، امکان مرآوده و ارتباط اجتماعی را در سطح بین‌المللی فراهم کرده و قالب‌های تساهل و تسامح در روابط اجتماعی را به آن داده است.

براین اساس، تلقی "اطلاع‌رسانی" جدید به‌عنوان یک پدیده‌ی نو ظهور اجتماعی که از دهه‌های گذشته با سرعت و شتاب فراوانی به پیش می‌رود، ایجاب می‌کند که آنرا در قالب مبادی و مبانی ضروری توسعه، تلقی کرده و به دور از اندیشه‌ی دو قطبی، آنرا در جامعه بپذیریم. اصل مشارکت در توسعه که مبتنی بر حضور فعال مردم در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است نیز ایجاب می‌کند که حافظه‌ی اطلاعاتی مردم را "به روز"^۲ کرده و اطلاعات لازم در جهت تصمیم‌گیری به آنها ارایه شود. ارایه‌ی اطلاعات گزینش شده که به دنبال سلطه‌ی باندهای سیاسی و تمایلات اقتصادی و منافع گروهی برخی احزاب و جناح‌ها در هر جامعه‌ای رُخ می‌نماید، موجب کاهش امکان تصمیم‌گیری آزادانه‌ی اعضای جامعه به‌دلیل عدم برخورداری از اطلاعات ضروری می‌شود. تقاضای مشارکت از

یک سو و ضرورت توسعه از دیگر سو و نیز تغییرات شتاب‌گیر جامعه در سطح جهانی که مستقیماً جوامع منطقه‌ای را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد، موجب بروز بحران در حوزه‌ی اطلاع‌رسانی و در میان مردم می‌شود. این بحران به تدریج مسأله‌ی اجتماعی را گسترش داده آن را به ناامنی اجتماعی بدل می‌کند و با نهادینه شدن مسأله‌ی اجتماعی و گسترش ناامنی، به تدریج آشفتگی اجتماعی^۱ و از هم گسیختگی اجتماعی^۲ پدیدار می‌گردد. اهمیت انتقال صادقانه و سالم اطلاعات به توده‌ی مردم گواه ضرورت آگاهی مردم از حوادث، رُخدادها و تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که در جامعه به وجود می‌آید و نیز فراهم آوردن امکان تصمیم‌گیری و تنظیم رفتار مردم در جهت مقابله با مشکلات ناشی از آنها و همچنین حمایت از تحولات مثبت و سازنده.

در این مقاله سعی شده است که با طرح چگونگی شکل‌گیری "مسأله‌ی اجتماعی" در سطح نظری رابطه‌ی میان تغییرات اجتماعی، نیازهای اجتماعی و پدیده‌ی اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. تبدیل پدیده‌ی اجتماعی به مسأله یا سنت‌های اجتماعی در حوزه‌ی عمل، از دیگر مباحث سطح کلان و نظری این مقاله است. همچنین ضمن طرح اطلاع‌رسانی به‌عنوان پدیده‌ی اجتماعی مدرن و جهانی، به آزمون دیدگاه طرح شده در خصوص تبدیل این پدیده به مسأله یا سنت بسنده شده و در سطح طرح مسأله به آن توجه شده است: بدین معنی که اطلاع‌رسانی ناکارا و عدم کارایی رسانه‌های جمعی در خصوص اطلاع‌رسانی، به‌عنوان مواجهه‌ی غیر اصولی و غیر منطقی با پدیده‌ی اجتماعی اطلاع‌رسانی موجب بروز و ظهور مسایل اجتماعی می‌گردد.

برای مطالعه‌ی این دیدگاه، به عنوان روش، روش انتقادی تحقیق اجتماعی هاروی (۱۹۹۰) و نیز روش تحقیق و مطالعه‌ی استدلال انتقادی بیکر (۱۹۹۳) در مسایل اجتماعی به‌ویژه مسایل اجتماعی ناشی از اطلاع‌رسانی ناکارا مطرح شده‌اند.

مطالعه‌ی روابط ساختی، فراگیر و تاریخی با تأکید بر روش‌های فوق جهت دستیابی به مشابهت‌ها و ضرورت تاریخی مسایل اجتماعی ناشی از فقدان نظام اطلاع‌رسانی کساراً، از دیگر محورهای این طرح است که در آن مطالعه‌ی مقایسه‌ای - تطبیقی مبتنی بر جامعه‌شناسی تاریخی به روش آبرامز^۳ (۱۹۹۳)، به کار گرفته می‌شود.

در این طرح، این نکته تأکید شده است که بسیاری از مسایل اجتماعی ایران ناشی از فقدان نظام اطلاع‌رسانی کارآ و انحصار اطلاعات از یک سو، و ارایه‌ی گزینشی آنها به مردم از دیگر سو می‌باشد. این مقاله چنین باور دارد که در چنین شرایطی که ناشی از تفکر توسعه‌ی از بالا به پائین و به تبع آن سیر جریان اطلاع‌رسانی گزینشی و از بالا به پائین است، مشارکت که یک مفهوم و مصداق پائین به بالاست تحقق نمی‌یابد. این امر نه تنها خود یک مسأله‌ی اجتماعی است، بلکه زمینه‌ساز تحقق و بروز مسایل اجتماعی دیگر نیز می‌شود.



منابع

- Baker, P.J. (1993), **Social Problems: Critical Reasoning**, New York.
- Baker, R.K. & Ball, S.J. (eds). (1969), **Violence and the Media. A staff report to the National Commission on the Causes and Prevention of violence**; washington, D.C. Government Printing Office.
- Bleemer, H. (1971), "Social Problems & Collective Behaviour", in: **social problems**, No: 18, pp:293-306.
- Blumer, H.S Hauser, P.M. (1933), **Movies, Delinquency, Crime**, Macmillan, New York.
- Blumey, H. (1933); **Movies and Conduct**, Macmillan, New Yourk.
- Coleman, J.w. et. al (1990); **Social Problems**, Harper & Row, New York.
- Foreman, H.J. (1935) **Our Movie Made Children**, Macmillan, New York.
- Harvey, L. (1990) **Critical Social Research**, London.
- Howitt, D. (1982) **Mass Media and Social Problems**, pergamen press, oxford (New York).
- Lashley, K.S. & Watson, J.B. (1992); **A Psychological Study of Motion Pictures in Relation to Venereal Disease**, washington, D.C. U.S.
- Merton, R.K. (1976), **The Sociology & Social Problems in Merton & Nisbet, eds. contemporary social Problems** 4th ed. New York.
- Robertson, I. (1980), **Social Problems**, Random House, New York. Horton, P.B. & Leslie, G.R (1970). **The Sociology of social Problems**, Meredith Co. New York.
- Sheikh Jemal al-Din, (1892), "The Rign of terror in Persia", in: **Contemporary Review**, No: 61, pp: 238-248.
- Speetor, M. & Kitsuse, J.I. (1993); "Social Problems: A Reformation", in: **social problems**, No: 21; pp: 145-159